



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

مصادف با: ۱۴ ذی القعدة ۱۴۴۶

جلسه: ۳۵

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۶۰ - بخش های پنج گانه آیه - بخش پنجم: «و لا تعثوا فی الارض مفسدین» -

مطلب سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مطلب سوم

چون تقریباً در پایان سال تحصیلی جاری هستیم و ورود به بحث در آیه ۶۱ باعث می شود که بحث در سال جاری نیمه تمام بماند، لذا یک مطلبی از آیه ۶۰ را ذکر می کنیم و ان شاء الله ادامه بحث که مربوط به آیه ۶۱ است را از سال تحصیلی آینده آغاز خواهیم کرد؛ بنابراین این آخرین جلسه تفسیر ما در سال تحصیلی جاری است. گفتیم آیه ۶۰ پنج بخش دارد؛ بخش پنجم این بود: «وَلَا تَعَثُّوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ». دو مطلب در مورد این بخش بیان شد.

مطلب سوم این است که نهی از طغیان و فساد در روی زمین که خطاب به بنی اسرائیل وارد شده، عمدتاً معطوف به اختلاف و نزاع و درگیری این قوم بعد از علم و اطلاع است؛ این یکی از ویژگی های این قوم بود که حاکی از لجاجت و عناد آنهاست. این خیلی نکته مهمی است؛ خداوند متعال بعد از اعطای این همه نعمت (که در این آیه اشاره به آب با آن جزئیاتی که دارد کرده)، می فرماید «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعَثُّوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»؛ بخورید و بیاشامید از رزق خداوند و فساد و طغیان نکنید. قبل از آن هم اشاره به اختلاف و نزاع شده بود؛ اینجا هم به طور کلی نهی می کند از طغیان و فساد در روی زمین، مخصوصاً نزاع بر سر آب و غذا و درست است ما این احتمال را برگزیدیم، اما احتمال اینکه این نهی کلی باشد و از طغیان و فساد فی الارض به هر شکلی منع کرده باشد هم منتفی نیست. از میان احتمالات سه گانه ای که جلسه گذشته ذکر کردیم، بالاخره دو احتمال اینجا قابل قبول است؛ اگرچه احتمال دوم به قرینه سیاق آیه قوی تر به نظر می رسد.

به هر حال این نهی اگرچه به صورت عام از هرگونه طغیان و فساد در روی زمین منع می کند، اما قدر مسلم آن است که به این اختلافات و نزاع ها و درگیری ها اشاره دارد که حتی بعد از آشکار شدن و علم به حقایق، برای آنها پدید می آید. این هم برمی گردد به آن سابقه ای که قوم بنی اسرائیل داشتند. البته چون به یک معنا یهودیان زمان رسول خدا (ص) هم مخاطب هستند و اشاره به آنها دارد، در واقع آنها را از اینگونه اختلاف یعنی اختلاف بعد بینه و روشن شدن حقایق و آگاه شدن، به شدت منع کرده است؛ چون اختلاف بعد از علم، جز لجاجت و کینه ورزی و عناد، معنای دیگری برای آن نمی توان در نظر گرفت.

اختلاف مذموم و ممدوح

در آیاتی از قرآن، اختلافات و نزاع های بنی اسرائیل که حتی بعد از علم و آگاهی بین آنها پدید آمده، مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله آیه ۹۳ سوره یونس: «وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأً صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ»؛ می فرماید: ما آنها را در جایگاه صدق (که منظور همان بیت المقدس است) سکنا دادیم و روزی آنها را از طیبات فراهم کردیم؛

اما آنها به اختلاف و نزاع پرداختند. آنها با هم اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه از علم و آگاهی بهره‌مند شدند. این اختلاف بعد از علم و آگاهی است، که بسیار مذموم است.

گاهی اختلاف برای کشف حقیقت است؛ یعنی علم و آگاهی وجود ندارد و این باعث اختلاف و نزاع می‌شود. اختلاف قبل از آگاهی و علم، فی‌نفسه چیز مذمومی نیست؛ منتها اختلاف قبل از علم و آگاهی، در دو گروه واقع می‌شود:

۱. گاهی این اختلاف بین اهل نظر و صاحبان رأی و فکر پیش می‌آید، یعنی کسانی که اهلیت دارند؛ گاهی این اختلاف بین کسانی پیش می‌آید که اهل فکر و نظر نیستند. یعنی اساساً شأنیت ورود به این نزاع‌ها و اختلافات را ندارند؛ شما فرض کنید یک مسئله خاص و مهم مربوط به یکی از امور علمی، اعتقادی، دینی یا مربوط به این جهان، طبیعت، آسمان‌ها و کهکشان‌ها؛ گاهی بین متخصصین یک رشته و صاحب‌نظران آن اختلاف پیش می‌آید، که این هم به خاطر مجهول بودن و آگاه نبودن از حقیقت ماجرا است.

۲. گاهی این اختلاف بین کسانی پیش می‌آید که اساساً تخصصی در آن رشته یا علم ندارند؛ این اختلاف ناپسند است؛ چون آنها اصلاً شأنیت ورود به این عرصه را ندارند تا بخواهند با هم اختلاف کنند. اختلافی مورد پسند و ستایش است که بین اهل نظر و برای کشف حقیقت باشد. بنی‌اسرائیل هیچ کدام از این دو نبودند؛ قسم سوم از اختلاف در بین آنها بود. اختلاف بعد از علم و آگاهی، بعد از آشکار شدن و روشن شدن نشانه‌ها، که این بسیار مذموم است؛ این جز عناد و لجاجت نمی‌توان معنای دیگری برای آن در نظر گرفت.

در آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ»؛ در آن اختلاف نکردند مگر کسانی که بعد از آمدن بیّنات برای آنها، از باب بغی، ظلم و ستم این کار را کردند. این اختلاف یک اختلاف بسیار ناپسند و مذموم است. چطور می‌شود انسان‌ها بعد از آشکار شدن نشانه‌های روشن حق، در آن به اختلاف بپردازند؟ اساساً این مشخصه بنی‌اسرائیل است؛ آیات متعددی در قرآن ناظر به همین جهت است که بنی‌اسرائیل با آنکه به چیزی پی بردند، باز شروع به اختلاف و نزاع و دعوا کردند.

اینکه خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» در واقع اشاره به همین می‌کند؛ می‌گوید حالا که همه چیز برای شما معلوم شد، نعمت و لطف و معجزه، باز به نزاع و اختلاف نپردازید. در بعضی از آیات دیگر هم به این معنا اشاره شده؛ از جمله آیه ۸۱ سوره طه: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ»؛ از طبیّات آنچه که ما به شما ارزانی داشتیم بخورید، ولی در آن طغیان نکنید. در ادامه هم می‌فرماید: «فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى»؛ هر کسی طغیان کند، غضب الهی شامل حال او می‌شود. همچنین آیات ۱۶ و ۱۷ سوره جاثیه: «وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ ببینید چقدر نعمات را یک‌به‌یک می‌شمارد؛ «وَأَتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ». این در واقع به طور واضح و روشن اشاره می‌کند به اینکه خداوند به بنی‌اسرائیل، کتاب و حکم و نبوت، اسباب هدایت تشریعی، رزق از طبیّات، اینکه خداوند به آنها رزق داد، مهم‌تر اینکه آنها را بر عالمیان برتری داد، اما با این همه و بعد از بیّنات، شروع کردند به اختلاف و نزاع و مشاجره و انکار، کأن هیچ چیزی نبوده و اتفاقی نیفتاده است.

با این توضیحاتی که بیان شد، توضیح و تفسیر آیه ۶۰ سوره بقره تمام شد؛ همانطور که عرض کردم چون فرصت نیست و یکی از جلسات هم با شهادت یکی از ائمه (ع) مقارن است، لذا این بحث را فعلاً و موقتاً تعطیل می‌کنیم تا ان شاء الله اگر حیاتی بود و توفیقی شامل حال ما شد، در آغاز سال تحصیلی آینده، آن را دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»